

**اثربخشی رویکرد زوج‌درمانی سیستمی - سازه‌گرا بر
طرحواره‌های ناسازگار اولیه و گرایش به روابط
فرازناشویی زنان متقاضی طلاق**

شهرام مامی* و افشین صفرنیا**

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی رویکرد زوج‌درمانی سیستمی - سازه‌گرا بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه و گرایش به روابط فرازناشویی زنان متقاضی طلاق انجام شد. طرح پژوهش، نیمه آزمایشی همراه با پیش‌آزمون - پس‌آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری کلیه زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و مددکاری شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۵ بودند که از بین آن‌ها ۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف، انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ زوج) و کنترل (۱۵ زوج) گمارده شدند. از پرسشنامه‌های طرحواره‌ی‌انگ و گرایش به روابط خارج از ازدواج در پیش‌آزمون و پس‌آزمون برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. رویکرد زوج‌درمانی سیستمی - سازه‌گرا بر روی گروه آزمایش به مدت ۹ جلسه گروهی ۲ ساعته در هر هفته یک جلسه انجام شد. یافته‌های حاصل از تحلیل کوواریانس چندمتغیره نشان‌دهنده اثربخشی رویکرد زوج‌درمانی سیستمی - سازه‌گرا بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه و گرایش به روابط فرازناشویی زنان متقاضی طلاق بود. با استناد به یافته‌های حاصل از این پژوهش پیشنهاد می‌شود، برای تعدیل طرحواره‌های ناسازگار اولیه و کاهش گرایش به روابط فرازناشویی زنان متقاضی طلاق از رویکرد زوج‌درمانی سیستمی - سازه‌گرا استفاده شود.

کلیدواژه‌ها: روابط فرازناشویی، سیستمی - سازه‌گرا، طرحواره ناسازگار اولیه و طلاق

* استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، ایلام، ایران.
** دانشجوی دکترا روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، ایلام، ایران.

afshinsafarnia1@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۲

مقدمه

مهم‌ترین آسیب خانوادگی طلاق است. طلاق^۱ به معنای پایان قانونی ازدواج و جدا شدن همسران از یکدیگر است که در پی آن حقوق و تکالیف متقابلی از دست می‌رود که بین زوجین هنگام ازدواج وجود داشته است (فلاحی و دلدار، ۱۳۹۵). نتایج مطالعات نشان داده است که از هر دو زوج که برای اولین بار ازدواج می‌کنند، یک زوج طلاق می‌گیرد (دلوس و براور^۲، ۲۰۱۵). در بررسی علت طلاق علاوه بر عوامل اجتماعی، اقتصادی و حقوقی، توجه به علل فردی و روان‌شناختی اهمیت ویژه‌ای دارد (مک‌کری^۳، ۲۰۱۵). در این میان یکی از این خطرهایی که حیات و استمرار خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بی‌وفایی در زناشویی است که مشکلات زیادی را در پی دارد (لوادو و جانی^۴، ۲۰۱۳).

روابط فرازناشویی^۵ از دید درمان‌گران بیشتر بر مفهوم بی‌وفایی، تنوع‌طلبی جنسی یا خیانت تأکید دارد. بی‌وفایی کلیه رفتارها و عملکردهای یک فرد متأهل، با جنس مخالف خارج از چارچوب خانواده است. به نحوی که به ارتباط دوستانه، صمیمانه، عاطفی و عاشقانه منجر شود، به صورتی که این ارتباط هیجان‌های خاصی نظیر؛ آشفتگی عاطفی، خلقی و رفتاری و احساس نارضایتی را برای همسر اقدام‌کننده داشته باشد (استفنسون و متسون^۶، ۲۰۱۳). مطالعات در این زمینه نشان می‌دهد حدود یک سوم از مردان و یک چهارم از زنان احتمال دارد که حداقل یک‌بار در طی زندگی مشترک درگیر گرایش به روابط فرازناشویی شوند (مارک و جانسن^۷، ۲۰۱۳). درباره علل و زمینه‌ها، بر اساس نتایج تحقیقات انجام شده، به دلیل حل نشدن تعارضات خانوادگی در حوزه‌های مختلف و عدم شناخت ماهیت مشکلات زناشویی و درک دو طرفه بین زوجین، تجربه شکست عاطفی و عملکرد جنسی زوجین (قاسمی، رنجبر سودجانی و شریفی، ۱۳۹۶) و عوامل پیش‌بینی‌کننده قبل از ازدواج، از جمله سابقه روابط جنسی رضایت‌بخش قبل از ازدواج و تجربه شکست عاطفی در زندگی مشترک

-
1. divorce
 2. Deluse and Braver
 3. McCray
 4. Loudov and Jani
 5. extramarital relationships
 6. Stephenson and Meston
 7. Mark and Janssen

(شریل، کینگزبرگ، استنلی آلتوف، جیمز، سیمون^۱ و همکاران، ۲۰۱۷) جزو علل و زمینه‌های گرایش به روابط فرازنشویی مطرح شده است. در این میان نتایج مطالعات نشان داده‌اند که، می‌توان از روی طرحواره‌های ناسازگار اولیه و محیط خانوادگی نشانه‌های بالینی را در شکست روابط زناشویی پیش‌بینی کرد (استفنسون و همکاران، ۲۰۱۳).

طرحواره‌های ناسازگار اولیه^۲، الگوهای هیجانی و شناختی خود آسیب‌رسانی هستند که در ابتدای رشد و تحول در ذهن شکل می‌گیرند و در مسیر زندگی تداوم می‌یابند (سهرابی، اعظمی و دوستیان، ۱۳۹۳). همان‌گونه که از این تعریف می‌توان فهمید، طرحواره‌ها شامل رفتار افراد نمی‌شوند، بلکه رفتار بخشی از پاسخ‌های مقابله‌ای است که از طرحواره‌ها نشأت می‌گیرد (صلواتی و یزدان دوست، ۱۳۹۴). طرحواره‌های ناسازگار اولیه، یکی از عواملی است که می‌تواند در رضایت‌مندی از ازدواج تأثیرگذار باشد (یانگ، کلسکو و ویشار^۳، ۲۰۰۳). این طرحواره‌ها می‌توانند بر درک فرد از موقعیت‌های گوناگون نظیر، اختلال جنسی تأثیر بگذارند و از عوامل سبب شناختی مهم در گرایش به رفتارهای پرخطر به شمار می‌روند (پولیمنت، مورهو گرونرت^۴، ۲۰۱۰). نوایی و محمدی آریا (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای نشان دادند که طرحواره‌های ناسازگار اولیه توانایی پیش‌بینی بی‌وفایی و پیمان‌شکنی را در بین افراد متأهل در معرض خطر و آسیب‌دیده دارند؛ این نتایج با یافته‌های مطالعه کیانی‌پور، محسن‌زاده و زهراکار (۱۳۹۶)، همخوانی دارد. علاوه بر موارد یاد شده، مطالعات نشان داده‌اند که طرحواره‌های ناسازگار اولیه احتمال گرایش به طلاق را در هنگام مواجهه با رویدادهای چالش‌زای زندگی پیش‌بینی می‌کنند (پیوسته‌گر، خسروی و کرمی، ۱۳۹۵). در مجموع می‌توان گفت که طرحواره‌های ناسازگار اولیه، بر توانایی احساس صمیمت و رضایت از روابط عاشقانه و جنسی زوجین تأثیر گذارند (چاتا و ویشمن^۵، ۲۰۱۴).

اهمیت شناخت صحیح اختلافات زناشویی و کوشش در راه تأمین شرایط مناسب برای رشد سالم زندگی، واضح‌تر از آن است که احتیاج به تأکید داشته باشد و با وجود آمار طلاق که

-
1. Sheryl, Kings berg, Stanley Althof, James and Simon
 2. early incompatible schemas
 3. Young, Klosko and Weishaar
 4. Poliment, Moore and Grunert
 5. Chtay and Wishman

معتبرترین شاخص آشفتگی زناشویی است؛ نشان‌دهنده آن است که، رضایت زناشویی به‌خصوص در زوج‌های که دچار آشفتگی نیز هستند به آسانی قابل دست‌یابی نیست (لاونر و کلارک^۱، ۲۰۱۷). با توجه به اهمیت این مسائل، زوج‌درمانی سیستمی - سازه‌گرا^۲ در سال‌های اخیر مورد توجه محققان (رید، دالتون، لادروث، دوئل و انجیون^۳، ۲۰۰۶؛ رید، دوئل، دالتون و احمد^۴، ۲۰۰۸) قرار گرفته است. امروزه زوج‌درمانی به عنوان روشی مؤثر در درمان آشفتگی ارتباطی شناخته شده است (مک‌را، دالگلیش، بورگس-موسر و کیلیان^۵، ۲۰۱۴). هدف این مداخله‌ها، تقویت درک زوج‌ها از خود در رابطه زناشویی (رجبی، نادری نوبندگانی و امان‌الهی و شهنی بیلاق، ۱۳۹۴) و افزایش بهزیستی روانی آن‌ها (یوسف‌زاده، فرزاد، نوایی‌نژاد و نورانی‌پور، ۱۳۹۶) است. تحقیقات در حوزه رویکرد سیستمی - سازه‌گرا نشان می‌دهد که این درمان می‌تواند بسیاری از جنبه‌های زندگی زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد و موجب افزایش پردازش بین‌فردی و نزدیکی رابطه در زوج‌ها شود (ویلسون، چارکر، لیزیو، هالفیرد و کیم‌لین^۶، ۲۰۰۵). نتایج مطالعات رید و همکاران (۲۰۰۶، ۲۰۰۸)؛ احمد (۲۰۱۲)؛ عشقی^۷ (۲۰۱۳)؛ دوئل (۲۰۱۰)؛ کاوالیره^۸ (۲۰۰۸)، تأثیر زوج‌درمانی سیستمی - سازه‌گرا بر افزایش شاخص‌های نزدیکی رابطه و روابط متقابل و نیز رضایت زناشویی در زوجین تازه ازدواج را تأیید کرده است.

با توجه به نتایج پژوهش‌های مختلف درباره کارایی رویکرد زوج‌درمانی سیستمی سازه‌گرا و همچنین اهمیت مؤلفه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه و گرایش به روابط فرازناشویی به عنوان عوامل افزایش آشفتگی زناشویی (در ابعاد مسائل شخصیتی، ارتباط، حل تعارض، رابطه جنسی، خانواده و دوستان، مسائل مربوط به نقش‌ها و وظایف) (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۶) و برتری این نوع روش درمانی نسبت به سایر مداخلات بر نزدیکی رابطه و بسیاری دیگر از

-
1. Lovner and Clarck
 2. couples therapy system - constructivist
 3. Reid, Dalton, Laderoute, Doell and Nguyen
 4. Ahmad
 5. McRae, Dalgleish, Burgess -Moser and Killian
 6. Wilson, Charker, Lizzio, Halfird and Kimlin
 7. Eshghi
 8. Cavaliere

جنبه‌های زندگی زوج‌های آشفته (دوئل، ۲۰۱۰)، این پژوهش با هدف یافتن پاسخ این سؤالات انجام شد: آیا با استفاده از رویکرد زوج‌درمانی سیستمی - سازه‌گرا می‌توان طرحواره‌های ناسازگار اولیه و گرایش به روابط فرازناشویی زنان متقاضی را کاهش داد؟

روش

طرح تحقیق مورد استفاده در این پژوهش به صورت نیمه آزمایشی با پیش‌آزمون - پس‌آزمون همراه با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و مددکاری شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۵ بود که از بین آن‌ها ۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف (ملاک‌های ورود و خروج) از بین جامعه ۸۹ نفری، انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل به نسبت یکسان گمارده شدند. به منظور رعایت اخلاق پژوهش، از کلیه زنان برای شرکت در طرح پژوهشی رضایت آگاهانه کسب و توضیح داده شد که اطلاعات پژوهش فقط در اختیار محققان است و صرفاً برای مقاصد پژوهشی استفاده می‌شود. ملاک‌های ورود نمونه انتخابی عبارت بودند از: ۱- دامنه سنی ۳۵-۲۰ سال؛ ۲- عدم اعتیاد به مواد افیونی و روان‌گردان‌ها و مصرف متادون؛ ۳- حداقل دارای دو سال زندگی مشترک؛ ۴- حداقل تحصیلات سیکل و حداکثر کارشناسی؛ ۵- نداشتن انواع روان‌پریشی‌ها؛ ۶- توانایی شرکت در جلسات درمانی. ملاک‌های خروج: ۱- ابتلا به اختلالات کنترل تکانه؛ ۲- ابتلا به اختلالات دوقطبی؛ ۳- نداشتن سواد خواندن و نوشتن. تأیید تشخیص عدم وجود اختلالات توسط روان‌پزشک و روان‌شناس مسئول مرکز درمانی انجام شد. رویکرد زوج‌درمانی سیستمی - سازه‌گرا بر روی گروه آزمایش به مدت ۹ جلسه گروهی ۲ ساعته در هر هفته یک جلسه انجام شد.

ابزارهای پژوهش عبارت بودند از:

پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه یانگ (YSQ-SF)^۱: این مقیاس ابزاری خود گزارش‌دهی برای سنجش طرحواره‌هاست که فرد بر اساس توصیف هر جمله خودش را در یک مقیاس لیکرت ۶ درجه‌ای می‌سنجد (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). در این تحقیق از فرم کوتاه

این پرسشنامه (۷۵ گویه‌ای) استفاده شد که ۱۵ طرحواره را می‌سنجد. این طرحواره‌ها ۵ حوزه دارد که عبارت هستند از: حوزه اول: رها شدگی / بی‌ثباتی^۱، بی‌اعتمادی / بدرفتاری^۲، انزوای اجتماعی / بیگانگی^۳، نقص / شرم^۴، محرومیت هیجانی^۵. حوزه دوم: وابستگی / بی‌کفایتی^۶، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری^۷، خود تحول نیافته / گرفتار^۸، شکست^۹. حوزه سوم: استحقاق^{۱۰}، خودکنترلی ناکافی^{۱۱}. حوزه چهارم: اطاعت، فداکاری^{۱۲}. حوزه پنجم: بازدارنده هیجانی^{۱۳}، معیارهای سرسختانه^{۱۴}. هر سؤال در یک مقیاس ۶ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود (۱ برای کاملاً نادرست، تا ۶ برای کاملاً درست) در این پرسشنامه هر پنج سؤال یک طرحواره را می‌سنجد. چنانچه میانگین هر خرده مقیاس بالاتر از ۲۵ باشد آن طرحواره ناکارآمد است. نتایج پژوهش یانگ و همکاران (۲۰۰۳)، اولین پژوهش جامع انجام شده راجع به ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه طرحواره یانگ، نشان داد که برای هر طرحواره ناسازگار اولیه، ضریب آلفایی از ۰/۸۳ (برای طرحواره خود تحول نیافته / گرفتار) تا ۰/۹۶ (برای طرحواره نقص / شرم) به دست آمد و ضریب آزمون-بازآزمون در جمعیت غیربالینی بین ۰/۵۰ تا ۰/۸۲ بود. در این تحقیق نیز اعتبار مجدد آن با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه و میزان ضریب آن بین ۰/۶۳ (برای طرحواره رهاشدگی / بی‌ثباتی) تا ۰/۸۷ (برای طرحواره معیارهای سرسختانه) به دست آمد.

پرسشنامه گرایش به روابط خارج از ازدواج (ERQ)^{۱۵}: این پرسشنامه محقق ساخته را

-
1. emancipation / instability
 2. mistrust / abuse
 3. social isolation / alienation
 4. flaw / shame
 5. emotional deprivation
 6. dependency / lack of ability
 7. vulnerability to harm or illness
 8. self-evolving / caught
 9. failure
 10. entitlement
 11. insufficient control
 12. self - sacrifice
 13. emotional inhibition
 14. unrelenting standards
 15. Extramarital Relationships Questionnaire (ERQ)

شیردل در سال (۱۳۸۵) تدوین کرد و از ۲۱ ماده تشکیل شده و دارای ۴ گروه سؤال به شرح زیر است: ۱- نارضایتی از روابط جنسی^۱ (همسر)؛ ۲- نارضایتی از روابط عاطفی^۲ (همسر)؛ ۳- تنوع طلبی جنسی^۳، ۴. سوءظن نسبت به وفاداری همسر و حس انتقام‌جویی^۴ از وی. برای سنجش میزان روایی محتوایی، این پرسشنامه را ۵ استاد روان‌سنجی، مشاوره، روان‌شناسی و آسیب‌شناسی اجتماعی و خانواده بررسی و روایی محتوایی آن را تأیید کردند. برای سنجش میزان اعتبار آزمون (همسانی درونی)، این پرسشنامه بر روی ۲۱ نفر به‌عنوان نمونه اجرا شده و میزان ضریب آلفای کراباخ در آزمون میزان گرایش به رابطه نامشروع ۰/۹۳ محاسبه شد و نشان داد که این آزمون از اعتبار بالایی بهره‌مند است. پرسشنامه فوق از نوع لیکرت ۵ درجه‌ای است. سؤالات دارای بار مثبت به ترتیب از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم، نمره ۵ - ۱ به آن‌ها تعلق می‌گیرد، و سؤالاتی که دارای بار منفی هستند، به ترتیب از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم، نمره ۱ - ۵ تعلق می‌گیرد (شیردل، ۱۳۸۵). در پژوهش حاضر به‌منظور سنجش پایایی پرسشنامه، از روش دو نیمه کردن استفاده شد که ضریب آن ۰/۷۷ به‌دست آمد.

محتوای صورت جلسات زوج‌درمانی سیستمی - سازه‌گرا (منطبق با الگوی رید و همکاران، ۲۰۰۶) بر روی گروه آزمایش به شرح جدول ۱ اجرا شد.

جدول ۱: خلاصه جلسات زوج‌درمانی سیستمی - سازه‌گرا

تکالیف منزل	تغییر رفتار مورد انتظار	محتوا	هدف	
ارزیابی مشکل و الگوی تعامل بین فردی	آگاهی از برخی از یافته‌های تجربی زوج‌درمانی سیستمی - سازه‌گرا و نحوه استفاده از این یافته‌ها	بعد از معارفه و بیان اهداف پژوهش، قوانین و مقررات گروهی توسط مشاور ارائه شد.	معارفه و بیان قوانین جلسات	۱
تمرکز بر تعامل فعلی و بهبود گفتگو	آگاهی از سوء برداشت‌ها، ادراک‌ها و ارزیابی‌های منفی	شرکت‌کنندگان در این جلسه تشویق شدند تا تعارض در حوزه‌های مختلف زندگی زناشویی را مشخص کنند.	بررسی تعارض در حوزه‌های مختلف و شناخت ماهیت مشکل	۲

1. dissatisfaction with sexual relations
2. dissatisfaction with emotional relationships
3. sexual variety
4. sense of revenge

تکالیف منزل	تغییر رفتار مورد انتظار	محتوا	هدف	
استفاده از جایگزین‌ها برای مشکلات خاص	تغییرهای اساسی در شیوه ارتباط، حل مسئله، مذاکره درباره تفاوت‌ها، آسایش و ایجاد حمایت دو طرفه عاطفی، هیجانی و جنسی	در این جلسه به شرکت‌کنندگان آموزش داده می‌شود تا به طور کامل به طرف مقابل گوش سپارند و صحبت‌های او را درک کنند و نه اینکه هنگام گوش دادن در فکر پاسخ دادن باشند.	یاددهی فن گوش‌سپاری زناشویی	۳
شناخت و گسس از الگوی تعاملی جاری	بهبود ارتباط و افزایش توانایی در حل تعارضات زناشویی	در این جلسه شرکت‌کنندگان تشویق شدند تا بر حوزه‌هایی تمرکز کنند که به‌رغم تعارض در آن‌ها از صحبت کردن در موردشان طفره می‌روند.	بحث در مورد مضرات اجتناب از موضوع و اجرای ابزارها	۴
بازسازی ساختارهای ناکارآمد	تغییر رفتار آزمودنی‌ها از شکایت، انتقاد به سوی یک حالت مشارکتی فعال.	در این جلسه از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا باطور فردی لیستی از ویژگی‌هایی را تهیه کنند که برای «رابطه ایده‌آل» آرزو می‌کنند.	تغییر جهت‌گیری آزمودنی‌ها از انتقاد و شکایت به سوی مشارکت فعال و رسیدن به رابطه ایده‌آل	۵
فاصله گرفتن از تعارض‌ها و تحلیل منطقی الگوهای تعاملی	افزایش درک همدلانه و شکل‌گیری رابطه متقابل	در این جلسه از تکنیک تفکر و صحبت در قالب شخص سوم استفاده شد. در این فن به شرکت‌کنندگان یاد داده می‌شود تعامل مشکل‌ساز با همسرانشان را مورد بحث قرار دهند، در حالی که هم به خودشان و هم به همسرشان به عنوان سوم شخص اشاره دارند.	اجرای فن فکر کردن و صحبت کردن در جایگاه شخص سوم (TSTP) ^۱	۶
تسلط بر خود و محیط و ثبت تعامل‌های مشکل‌ساز	افزایش شناخت از خود در رابطه (دانش در مورد خود)، آگاهی از احساسات، تفکر و تجارب طرف مقابل (درگیری و سپس همدلی)	در این جلسه باز هم درباره مشکلات موجود در رابطه تکنیک تفکر و صحبت در قالب شخص سوم مورد استفاده قرار گرفت.	ادامه اجرای فن فکر کردن و صحبت کردن در جایگاه شخص سوم (TSTP)	۷

1. Thousands of Solutions From Theorem Provers (TSTP)

تکالیف منزل	تغییر رفتار مورد انتظار	محتوا	هدف	
تمایز بین مشکلات جنسی و عوامل دخیل در عدم علاقه	بهبود رابطه متقابل و غنی شدن ارتباط زناشویی	در این جلسه با زنان به گونه‌ای صحبت شد که گویی شوهر است و این فرآیند موجب می‌شود طرفی که در حال مصاحبه است، احساس کند که طرف دیگر است.	اجرای فن شریک درونی (اتخاذ دیدگاه) برای زن	۸
-	قرار گرفتن در طیف بهنجار (از لحاظ میزان رابطه متقابل) و افزایش تعهد	جمع‌بندی نهایی، اجرای مجدد ابزارها، تقدیر و تشکر و پایان دادن به درمان.	جمع‌بندی و اجرای پس‌آزمون	۹

یافته‌ها

شرکت‌کنندگان در این پژوهش حداقل و حداکثر در دامنه سنی ۳۵-۲۰ سال با میانگین سنی ۲۷ سال قرار داشتند و مقاطع تحصیلی بیشتر آزمودنی‌ها (۵۶/۶۶ درصد) سیکل بوده و ۸ نفر (۲۸/۶۶ درصد) از آزمودنی‌ها دیپلم و ۵ نفر (۱۶/۶۶ درصد) نیز فوق دیپلم و لیسانس داشتند. در ادامه آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه در جدول ۲ و نتایج تحلیل کوواریانس در جدول ۳ ارائه شد.

جدول ۲: آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون

متغیر	گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
طرحواره‌های ناسازگار اولیه	آزمایش	۳۵/۶۰	۴/۰۷	۲۷/۸۰	۳/۷۷
کنترل	کنترل	۳۶/۳۵	۴/۷۰	۳۵/۶۰	۵/۱۳
گرایش به روابط فرازناشویی	آزمایش	۱۷/۶۵	۲/۴۳	۱۱/۸۵	۱/۶۶
کنترل	کنترل	۱۶/۷۵	۲/۸۶	۱۵/۴۰	۲/۲۸

در ادامه برای بررسی همگنی واریانس‌های دو متغیر طرحواره‌های ناسازگاری اولیه و گرایش به روابط فرازناشویی از آزمون لوین استفاده شد. سطح معناداری به دست آمده مطابق آزمون لوین برای متغیرهای پژوهش بزرگ‌تر از ($p > ۰/۰۵$) به دست آمد. بنابراین، به علت معنادار نبودن این آزمون واریانس‌های هر دو گروه آزمایش و کنترل همگن هستند. همچنین از آزمون

ام- باکس برای بررسی پیش فرض تساوی کوواریانس‌ها استفاده شد و به علت معنادار نبودن این آزمون در سطح ۰/۰۱ می‌توان نتیجه‌گیری کرد که داده‌ها از مفروضه همگنی ماتریس واریانس- کوواریانس تخطی نکرده‌اند و فرض صفر همگن نبودن ماتریس‌ها رد می‌شود و انجام آزمون تحلیل کوواریانس مجاز شمرده شد. طبق نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیره، با در نظر گرفتن این نکته که نمرات بالاتر نشان‌دهنده کاهش طرحواره‌های ناسازگار اولیه و گرایش به روابط فرازنشویی است، معنادار بودن مقادیر F در متغیرهای طرحواره‌های ناسازگار اولیه $(F_{(1,1)} = 1341/658)$ و گرایش به روابط فرازنشویی $(F_{(1,1)} = 124/084)$ در سطح $(p < 0/05)$ پس از حذف اثر پیش‌آزمون، بین پس‌آزمون‌های دو گروه در متغیرهای طرحواره‌های ناسازگار اولیه و گرایش به روابط فرازنشویی تفاوت معناداری را نشان می‌دهد $(p < 0/05)$.

جدول ۳: تحلیل کوواریانس چندمتغیره، متغیرهای مورد مطالعه در گروه‌های کنترل و آزمایش با کنترل اثر پیش‌آزمون

متغیرها	منابع تأثیر	درجه‌آزادی (df)	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	آماره (F)	سطح معناداری (P)
طرحواره‌های ناسازگار اولیه	پیش‌آزمون	۱	۶۱۴/۱۰۸	۶۱۴/۱۰۸	۱۴۴/۲۷۳	۰/۰۰۷
	عضویت گروهی	۱	۵۶۰/۴۰۷	۵۶۰/۴۰۷	۱۳۴۱/۶۵۸	
گرایش به روابط فرازنشویی	پیش‌آزمون	۱	۳۲۲/۳۴۹	۳۲۲/۳۴۹	۳۶۱/۴۰۵	۰/۰۰۷
	عضویت گروهی	۱	۱۱۰/۶۷۴	۱۱۰/۶۷۴	۱۲۴/۰۸۴	

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش باهدف بررسی اثربخشی رویکرد زوج‌درمانی سیستمی- سازه‌گرا بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه و گرایش به روابط خارج از ازدواج زنان متقاضی طلاق انجام شد. یافته‌ها نشان‌دهنده معناداری اثربخشی رویکرد زوج‌درمانی سیستمی- سازه‌گرا بر تعدیل طرحواره‌های ناسازگار اولیه و کاهش گرایش به روابط فرازنشویی زنان متقاضی طلاق بود. در همسویی یافته‌های پژوهش می‌توان به نتایج مطالعات رید و همکاران (۲۰۰۶، ۲۰۰۸)؛ احمد (۲۰۱۲)؛ دوئل (۲۰۱۰)؛ دالتون (۲۰۰۵)؛ کاولیره (۲۰۰۸)؛ مکررا و همکاران (۲۰۱۴)؛ ویلسون و

همکاران (۲۰۰۵)؛ یوسف‌زاده و همکاران (۱۳۹۶)؛ رجبی و همکاران (۱۳۹۴) اشاره کرد مبنی بر اینکه درمان سیستمی - سازه‌گرا، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و روابط فرازنشویی را در بین زوجین، کاهش و روابط بین‌فردی و رضایت زناشویی را افزایش می‌دهد.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت، زنانی که طرحواره‌هایشان در حوزه طرد و بریدگی قرار دارد، دوران کودکی تکان‌دهنده‌ای داشته‌اند و ممکن است در بزرگسالی به‌گونه‌ای نسنجیده و شتاب‌زده از یک رابطه خود - آسیب‌رسان به رابطه‌ای ناسالم و خارج از چارچوب ازدواج به فرد دیگری پناه ببرند و با وجود اینکه آمار گرایش به روابط فرازنشویی در مردان نسبت به زنان بیشتر است، ولی عواقب و پیامدهای خیانت برای زنان بیش‌تر از مردان است، این درحالی است که رویکرد زوج‌درمانی سیستمی - سازه‌گرا در این افراد می‌تواند اثرات این موارد را کاهش دهد (مک‌را و همکاران، ۲۰۱۴). در حقیقت به دنبال شکل‌گیری یا افزایش پردازش بین‌فردی از طریق رویکرد زوج‌درمانی سیستمی - سازه‌گرا، افراد هم از نحوه حرف زدنشان با یکدیگر و هم تجربه‌ای که از یکدیگر کسب می‌کنند، یک دید آگاهی‌فراشناختی به‌دست می‌آورند. تا آنجایی که اغلب گزارش کرده‌اند این آگاهی به تغییرهای اساسی در شیوه ارتباط، حل مسئله، مذاکره درباره تفاوت‌ها، آسایش و ایجاد حمایت عاطفی، هیجانی و جنسی از سوی همسرانشان در درون آن‌ها منجر می‌شود (دوئل، ۲۰۱۰). زمانی که زوج‌ها با یکدیگر ارتباط نزدیک دارند، از یکدیگر برای حمایت از خود و همچنین اظهار نظر درباره مسائل شخصی و کاری استفاده کرده و دارای ذهن آگاهی بیشتری نسبت به یکدیگر خواهند بود (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۶). نکته مهم این است که این درمان موجب می‌شود زنان به نقطه نظرات همسر خود توجه بالایی کنند و این نکته به عنوان وسیله‌ای برای پایا نگه داشتن و جلوگیری از سردی روابط و در نهایت موجب افزایش کیفیت روابط و به طبع آن کاهش اختلافات زناشویی خواهد شد. همچنین، اعتقاد بر آن است که این درمان باعث می‌شود تا زوج‌ها به تدریج واکنش‌های متفاوت‌تری با افزایش بینش طرفین نسبت به خود، یکدیگر و رابطه ارائه دهند و باعث تسریع پردازش بین‌فردی باعث کاهش طرحواره‌های ناسازگار اولیه و افزایش همکاری شفاف‌تر و خود به خودی‌تر در رابطه آن‌ها می‌شود و پردازش زوجین از موقعیت‌ها را آرام‌تر می‌کند و با تمایلات خود محورانه برای در نظر گرفتن رابطه برحسب منافع شخصی مقابله می‌کند (رید و همکاران، ۲۰۰۸).

زنانی که تا دیروز فکر می‌کردند، مشکل آن‌ها پیچیده و وحشتناک است و راهی به جز طلاق ندارند، اکنون با شرکت در جلسات درمانی امیدوار شده و متوجه خواهند شد که توانایی‌های لازم برای حل مشکل خویش را دارند. علاوه بر این، با اجرای فنونی چون اتخاذ دیدگاه و اجتناب، زنان متوجه خواهند شد که اگر قادرند تعارض را ایجاد کنند به همان صورت قادرند آن را متوقف کنند و راه‌حل‌های مختلفی برای حل تعارضات خود استفاده می‌کنند. در جلسات درمانی زنان با استفاده از فنون تغییر جهت‌گیری از انتقاد و شکایت به سوی مشارکت فعال و رسیدن به رابطه ایده‌آل به بحث و گفتگو درباره مشکل تشویق شدند و با بهبود ارتباط بین افراد در بعد ابراز، هر کدام از زنان مواردی را بیان کردند که در ارتباط برای آن‌ها اهمیت دارد و آنچه آن‌ها را ناراحت می‌کند، در نتیجه میزان رضایت آن‌ها از رابطه زناشویی افزایش پیدا کرده و از میزان گرایش به طلاق آن‌ها کاسته شد. در بحث روابط زناشویی و وفاداری، زنان گزارش دادند که نسبت به همسر خود احساس تعهد بیشتری دارند. با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش، پیشنهاد می‌شود که در مراکز درمانی، مشاوره و کلینیک‌ها با توجه به نتایج مثبت زوج‌درمانی سیستمی - سازه‌گرا در فرهنگ ایرانی، به زنان در جهت بیان هیجان‌های کمک‌کرد که به نارضایتی زناشویی و کاهش صمیمیت در روابط زناشویی منجر شده است، تا با فراموش کردن اشتباهات و صدمات گذشته و تأکید بر نقشی که هیجان‌های منفی گذشته از رویدادهای زندگی در کاهش روابط صمیمی بین زوجین دارند در جهت بازسازی راه‌حل‌های کارآمد برای افزایش صمیمیت در روابط زناشویی استفاده کرد. از جمله محدودیت این پژوهش عدم پیگیری طولانی مدت نتایج بود که بر این اساس، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی، ارزیابی‌های مکرر و نظام‌دار از فرآیند درمان انجام شود تا روند تغییر به طور عینی قابل مشاهده باشد.

تقدیر و تشکر

در پایان بر خود لازم می‌دانیم از کلیه زنانی که به عنوان آزمودنی در این پژوهش شرکت کردند، نهایت سپاسگزاری را به عمل آوریم.

منابع

- پیوسته‌گر، مهرانگیز، خسروی، زهره و کرمی، الهه (۱۳۹۵). پیش‌بینی خشونت مردان علیه همسرانشان بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی آن‌ها، فصلنامه مطالعات روان‌شناختی، ۱۲(۱): ۷-۲۶.
- رجبی، غلام‌رضا، نادری نوبندگان، زهرا، امان‌الهی، عباس و شهنی ییلاق، منیجه (۱۳۹۴). اثربخشی زوج‌درمانی سیستمی - سازه‌گرا بر پردازش بین‌فردی و نزدیکی رابطه در زوج‌های آشفته، فصلنامه روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۳(۲۰): ۱۰۵-۱۲۸.
- سهرابی، فرامرزی، اعظمی، یوسف و دوستیان، یونس (۱۳۹۳). مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و نگرش‌های ناکارآمد در افراد وابسته به مواد و افراد عادی، فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی، ۵(۱): ۵۹-۷۲.
- شیردل، ملیحه (۱۳۸۵). عوامل گرایش زنان و مردان متأهل به رابطه نامشروع جنسی، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۳(۵۱): ۱۳۹-۱۳۷.
- صلواتی، مژگان و یزدان دوست، رخساره یکه (۱۳۹۴). طرحواره درمانی (راهنمای ویژه متخصصان روان‌شناسی بالینی)، تهران: دانژه.
- فلاحی، محمد علی و دلدار، فائزه (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر طلاق در استان‌های ایران با تأکید بر عوامل اقتصادی، فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده، ۱۰(۳۴): ۱۳۶-۱۵۴.
- قاسمی، بهزاد، رنجبر سودجانی، یوسف و شریفی، کبیر (۱۳۹۶). نقش عملکرد جنسی و تجربه شکست عاطفی در گرایش زوجین به روابط فرازنشویی، فصلنامه رویش روان‌شناسی، ۶(۱): ۴۵-۶۸.
- کیانی‌پور، عمر، محسن‌زاده، فرشاد و زهراکار، کیانوش (۱۳۹۶). هم‌سنجی اثربخشی طرحواره درمانی و روایت درمانی هنگام به هم پیوستن هر یک از آن‌ها با برنامه غنی‌سازی زناشویی بر گرایش به پیمان‌شکنی زناشویی و رضایت زناشویی، دو فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۷(۲): ۲۷-۵۴.
- نوایی، جعفر و محمدی آریا، علیرضا (۱۳۹۴). بررسی ارتباط طرحواره‌های اولیه ناسازگار با توجیه روابط فرا زناشویی در میان افراد متأهل، مجله روان‌پرستاری، ۳(۴): ۲۷-۱۸.
- یوسف‌زاده، پیمان، فرزاد، ولی‌الله، نوابی‌نژاد، شکوه و نورانی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش زوج‌درمانی سیستمی _ رفتاری بر بهزیستی روانی زوج‌های ناسازگار، فصلنامه پژوهش‌های مشاوره، ۱۵(۶۳): ۵۰-۶۶.

- Ahmad, S. (2012). *Enhancing the quality of South Asian Marriages through Systemic-Constructivist Couple Therapy (SCCT): Investigating the role of Couple Identity in Marital Satisfaction*. dissertation submitted for Doctorate in Clinical Psychology, York University, Toronto.
- Cavaliere, C. (2008). *Listening to Understand as a Therapeutic Strategy for Enhancing Interpersonal Processing in an Intimate Relationship*. York University, Toronto, Ontario, Canada.
- Chtay, S. R. and Wishman, F. (2014). Investigating the Relationship between Maladaptive Schemas and Marital Satisfaction in Mothers of Primary School Children. *Academic Journal of Psychological Study*, 3(2): 148-153,
- DeLusé, S. R. and Braver, S. L. (2015). A Rigorous Quasi-Experimental Design to Evaluate the Causal Effect of a Mandatory Divorce Education Program. *Family Court Review*, 53(1): 66-78.
- Doell, F. K. (2010). *Enhancing couples' communication through Systemic-Constructivist Couple Therapy: The relationship between marital listening and relationship quality*. Dissertation submitted for Doctorate in philosophy. York University. Canada.
- Eshghi, N. (2013). *Investigating the Effects of Systemic Constructivist Couple Therapy (SCCT) - Based Relationship Enhancement Workshops on the Relationship Satisfaction of Couples in the Community*. A Dissertation Submitted to the Degree of Master of Arts. York University.
- Fallahi, M. A. and Deldar, F. (2016). Investigating the Effective Factors on Divorce in Iranian Provinces with Emphasis on Economic Factors. *Journal of Cultural Education of Women and Family*, 34(10): 136-154 (Text in Persian).
- Ghasemi, B., Ranjbar Sudejani, Y. and sharifi, K. (2017). The role of sexual function and experience emotional breakdown in tendency toward relationships Extra-marital. *Journal of frooyesh*, 6(1): 45-68 (Text in Persian).
- Kianipour, O., Mohsenzadeh, F. and Zahrakar, K. (2018). Comparison of schema therapy and narrative therapy when combined each of them with marital enrichment program on marital infidelity tendency and marital satisfaction. *Family Counseling Psychotherapy*, 7(2): 27-54 (Text in Persian).
- Loudov ,É. I. and Jani ,É. K. (2013). Haviger JÃ. Infidelity as a Threatening Factor to the Existence. marital therapy. *Journal of Marital and Family Therapy*, 23(2): 135-152.
- Lovner,J. and Clarck, M. (2017). Workload and marital satisfaction over time: Testing lagged spillover and crossover effects during the newlywed years. *Journal of Vocational Behavior*, 101(12): 67-76.
- Mark, KP.and Janssen, E. (2011) Milhausen RR. Infidelity in heterosexual couples: demographic, interpersonal, and personality-related predictors of extradyadic

- sex. Arch Sex Behav. *The American Journal of Family Therapy*, 36(1):1-17.
- McCray, M. (2015). *Infidelity, Trust, Commitment, and Marital Satisfaction Among Military Wives During Husbands' Deployment*. Doctoral Thesis, Walden University.
- McRae, T. R., Dalgleish, T. L., Johnson, S. M., Burgess-Moser, M. and Killian, K. D. (2014). Emotion regulation and key change events in emotionally focused couple therapy. *Journal of Couple and Relationship Therapy*, 13(2):1-24.
- Navaei, J. and Mohammadi Arya, A. (2016). Association between the early Maladaptive Schemas and Extra Marital Relationship among Married People. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing*, 3(4): 18-27 (Text in Persian).
- Payvastegar, M., Khosravi, Z. and Karami, E. (2016). The relation between Early Maladaptive Schemas and Attachment Styles with Male violence against Their Wives. *Journal of Psychological Studies*, 12(1): 7-26 (Text in Persian).
- Poliment, A. M., Moors, S. M. and Grunert, S. (2010). MMPI-2 profiles of client with substance dependencies accessing a therapeutic community treatment facility. *Electronic Journal of Applied psychology*, 6(1): 1-9.
- Rajabi, G. R., Naderi Nobandegani, z., Amanollahi, A. and shahaniyeylagh, M. (2014). Effectiveness of systemic-constructivist couple therapy on interpersonal processing and relationship closeness in distressed couples. *Journal of Psychological Models and Methods*, 3(20): 105-128 (Text in Persian).
- Reid, D. W., Dalton, J., Laderoute, K., Doell, F., and Nguyen, T. (2006). Therapeutically induced changes in couple identity: The role of 'we-ness' and interpersonal processing in relationship satisfaction. *Genetic, Social and General Psychology Monographs*, 132(13): 121-143.
- Reid, D. W., Doell, F., Dalton, J., and Ahmad, S. (2008). Systemic Constructivist Couple Therapy (SCCT): Description of approach, theoretical advances, and published longitudinal evidence. *Psychotherapy Theory, Research, Practice, Training*, 45(4): 477-490.
- Salavati, M. and Yazdan doost, R. Y. (2015). *Schematic Therapy* (Special Guide for Clinical Psychologists). Tehran: danjeh (Text in Persian).
- Sheryl, A., Kings berg, D., Stanley Althof, P., James, A. Simon, M. D. and et al. (2017). Female Sexual Dysfunction— Medical and Psychological Treatments, Committee. *Journal of Sexual Medicine*, 12(1): 1463-1491.
- Shirdel, M. (2006). The Tendency Factors of Married Men and Women to Sexual Unlawful Relationship. *Journal of Social Welfare*, 6 (22): 133-148 (Text in Persian).
- Sohrabi, F., Azami, Y. and Dostian. N. (2014). Comparison of Early Maladaptive Schemas and Dysfunctional Attitudes in Normal and Drug-Dependent Individuals. *Applied Psychological Research Quarterly*, 5(1): 59-72 (Text in Persian).

- Stephenson, K. R. and Meston, C. M. (2013). The Conditional Importance of Sex: Exploring the Association Between Sexual Well-Being and Life Satisfaction. *Journal of Sex and Marital Therapy*, 16(3): 1-14.
- Wilson, K. L. Charker, J. Lizzio, A. Halfird, K. and Kimlin, S. (2005). Assessing how much couples work at their relationship: The behavioral self-regulation for effective relationship scale. *Journal of Family Psychology*, 19(3): 385-393.
- Yooseszade, P., Farzad, V.O., Navabinejad, S. and Nooranipour, R. O. (2018). Effectiveness of behavioral-systems couple therapy on psychological wellbeing of maladaptive couples in the city of Tehran. *Journal of counseling research*, 15(63): 50-66 (Text in Persian).
- Young, J. E., Klosko, J. S., and Weishaar, M. E. (2003). *Schema therapy: A practitioner, guide*. NewYork: Gailford Press.

**Effectiveness of Systemic-Constructivist Paternity
Therapy on the Initial Maladaptive Schemas and
Tendency to Extramarital Relationships in the
Female Divorce Applicants**

Shahram Mami* and Afshin Safarnia**

Abstract

The present study was conducted to investigate the effectiveness of systemic-constructivist paternity therapy approach on the initial maladaptive schemas and the tendency to extramarital relationships of women as the divorce applicants. The research design was based on a semi-experimental with pre-test-post-test approach and control group. The statistical population consisted of all female divorce applicants, who referred to kermanshah city's counseling centers in 2017. Among them, 30 people had been selected in the form of voluntary purposive sampling and randomly being assigned into two experimental (15 couples) and controls (15 couples) groups. Yang schema questionnaire and extramarital relationships questionnaire were used in the pretest and posttest for collecting information. Systemic-constructivist paternity therapy approach was then performed on the experimental group for 9 sessions of 2 hours one session a week. Results of the univariant covariance moncova analysis showed the systemic-constructivist paternity therapy on initial maladaptive schemas and the tendency for extramarital relationships among female divorce applicants. Based on the findings of the research, it is recommended to apply the systemic-constructivist paternity therapy approach for equalizing the initial maladaptive schemas and reducing the tendency to extramarital relationships in female divorce applicants.

Keywords

Divorce, extramarital relationships, initial maladaptive schema, systemic-constructivist.

*. Assistant Professor of Psychology, University of Humanities, Islamic Azad University of Ilam, Ilam, Iran

.**. PhDs in Psychology, Islamic Azad University, Ilam, Iran.

received: 2017-08-24

accepted :2018-03-13

DOI: 10.22051/psy.2018.16927.1474